



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره بیستم / تابستان ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2024.475531.1291

آسیب‌شناسی آماده‌سازی نسخ خطی فارسی در ترکیه

مطالعه موردی: تصحیح غزوات سلطان سلیم

طاهر بابائی^۱ / اعظم عجم^۲

چکیده

آسیب‌هایی که پس از انقلاب حرف به تراث تاریخی و فرهنگی ترکیه رسید، در بخش آثار مکتوب تاریخی نمود چشمگیری داشته است. این آسیب، در خواندن و تصحیح آثار فارسی عثمانیان بیشتر به چشم می‌خورد؛ زیرا پژوهشگر باید علاوه بر تسلط به الفبای عربی، به زبان فارسی نیز مسلط باشد. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از آثار تصحیحی ترکیه به دست دانشجویان تحصیلات تکمیلی به شکل پایان‌نامه و رساله عرضه می‌گردند، دارای کیفیت مناسبی نیستند. این آثار به عنوان فعالیت‌های ابتدایی پژوهشی این دانشجویان از جنبه‌های گوناگون با نقص‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است. از این رو، مجموعه‌ای از کاستی‌ها و نادرستی‌ها به متون تصحیح‌شده نسخ راه یافته که در نمونه انتخابی (تصحیح غزوات سلطان سلیم به دست اسرا یوردم به عنوان رساله دکتری در دانشگاه استانبول) بررسی گردیده است. با توجه به نمونه انتخابی و در پاسخ به پرسش «متن تصحیح‌شده نسخ خطی فارسی در دانشگاه‌های ترکیه دارای چه کاستی‌ها و نادرستی‌هایی است؟»، مشخص شده است که نادرست‌خوانی در اتصال یا عدم اتصال نایجای کلمات، استفاده یا عدم استفاده از حروف غیر عربی، نادرست‌خوانی به سبب اعجام نادرست و نیز ناتوانی در خواندن کلمات، از مشکلات بنیادین بوده که در پیدایی همه این موارد، عدم تسلط کافی به زبان فارسی، نقش اصلی را داشته است.

واژه‌های کلیدی: غزوات سلطان سلیم، تصحیح نسخه، فرهنگ و تاریخ ترکیه، نسخ فارسی.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده

Taherbabaei@um.ac.ir

(مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

az.ajam@mail.um.ac.ir

ایران.

Pathology of Persian manuscripts proofreading in Türkiye; Case study: *Gazavât-ı Sultan Selim*

Taher babaei^۱/ Azam Ajam^۲

Abstract

After The Turkish alphabet reform, Turkey's historical and cultural heritage suffered a lot of damage, and in the meantime, written historical works were the most damaged. This damage is more visible in reading and correcting of Persian works of the Ottoman era; Because the researcher must be fluent in both of the Arabic alphabet and the Persian language. Therefore, the corrected texts of the manuscripts included many shortcomings and inaccuracies. Considering that a significant part of proofread works in Türkiye are proofread by graduate students in the form of theses, These works are not of good quality. These works, as the primary research activities of these students, are facing defects and problems from various aspects. In our case study (Yörden, Esra, Kadızâde's *Gazavât-ı Sultan Selim Han* (Text - Review), PhD thesis, Istanbul University, 2018), And in response to the main question(What are the shortcomings and inaccuracies of the corrected Persian manuscripts in Turkish universities?), these cases have been investigated and classified Incorrect combination or non-combination of words, incorrect use of non-Arabic letters, misreading due to not punctuating the letters and inability to read words. Not having sufficient mastery of the Persian language has played the main role in creating all these cases.

Keywords: *Gazavât-ı Sultan Selim*, Manuscripts proofreading, Turkish culture and history, Transcription, Persian manuscripts.

1. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Taherbabaei@um.ac.ir

2. MA Student In History And Civilization Of Muslim Nations, Ferdowsi university Of Mashhad, Mashhad, Iran. az.ajam@mail.um.ac.ir

مقدمه

در سال ۱۹۲۸م تصمیم مصطفی کمال ملقب به آتاترک مبنی بر تغییر الفبا از رسم الخط عربی به لاتین مصوب گردید که در سال ۱۹۲۹م با عنوان «انقلاب حرف» به کار بسته شد. بر اساس این، ترکان برای نگارش مکتوبات خود ملزم به استفاده از حروف لاتین شدند. برای انجام بهتر این امر، نهادهای مختلفی نظیر بنیاد تاریخ ترک^۱ و بنیاد زبان ترکی^۲ نیز یاری‌رسان گردیدند. گرچه مشکلات نگارش ترکی با آوانویسی یا ترانسکریپسیون با ایجاد صامت‌ها و مصوت‌های جدید، تا حد زیادی مرتفع شد، اما سبب پدیدار شدن مشکلاتی نیز گردید (Yazar, 2008: 733).

یکی از بزرگترین مشکلات مطالعه دوره عثمانی پس از تغییر الفبا، چگونگی ساده‌نویسی و ترانسکریپسیون بود. نگارش ترکی عثمانی با الفبای جدید قواعد خاصی را در بر می‌گرفت (Anhegger, 2013: 137). به سبب نبود برخی از حروف ترکی عثمانی با رسم الخط عربی در الفبای لاتین و نیز تحولات گرامری ترکی جدید، ترانسکریپسیون به مهارتی خاص در ترکیه بدل شد تا مشکلات مطالعه مکتوبات عثمانیان را از میان بردارد. دو مشکل نبود حروف و تحولات گرامری، سبب شد تا متون ترانسکریپسیون‌شده به متونی بدل شوند که غالباً از حیث تلفظ واژگان با ترکی عثمانی متفاوتند (برای نمونه، قوریچی: کوروجو^۳، کوکلی: گونوللو^۴) و لحن و تلفظ جدیدی را در بر دارند (Anhegger, 2013: 137). همین عامل در کنار زبان‌نادانی بر ایجاد مشکلات تصحیح و خواندن متون فارسی تاثیرگذار بوده است. به طور کلی، نادرست‌خوانی متون فارسی تصحیح‌شده در ترکیه را می‌توان در اثر دو عامل دانست. یکی ترانسکریپسیون که سبب صعوبت خواندن متون عثمانی شده و دیگری ناآشنایی با زبان‌های فارسی (نیز عربی) که بخش جدایی‌ناپذیر متون عثمانی است. از این رو، به عنوان مقدمه به ترانسکریپسیون پرداخته می‌شود و عامل ناآشنایی با زبان فارسی به تفصیل و در نمونه انتخاب‌شده، بررسی خواهد شد.

-
1. Türk Tarih Kurumu
 2. Türk Dil Kurumu
 3. Korucu
 4. Gönüllü

اهداف اولیه ترانسکریپسیون کردن، آثار چاپ شده در دوره عثمانی بود و سپس آثار مخطوطی که می‌بایست تصحیح و سپس ترانسکریپسیون شوند. این امر، غالباً به دانشگاه‌ها سپرده شده و امروزه شمار قابل ملاحظه‌ای از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری دانشجویان رشته‌های ادبیات فارسی و تاریخ به این امر اختصاص یافته است. امروزه، ترکان علاوه بر تصحیح، به چاپ عکس بردان نسخ خوش خط نیز دست زده‌اند که غالباً با توضیح مختصری در خصوص کتاب و مولف و نیز نمایه پایانی همراه است و خواندن متن را بر عهده خواننده می‌گذارند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی دقیق نمونه انتخابی، به این پرسش اصلی که «متن تصحیح‌شده نسخ خطی فارسی در دانشگاه‌های ترکیه دارای چه کاستی‌ها و نادرستی‌هایی است؟» پاسخ علمی و منطقی ارائه کند. در جهت پاسخ به این پرسش، داده‌ها و متن دو نسخه تصحیح‌شده دانشگاه و استانبول و مرکز پژوهشی میراث مکتوب و نیز نسخه منحصر به فرد کتابخانه حاجی سلیم‌آغای استانبول که مورد استفاده هر دو مصحح بوده، به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه تطبیقی، سطر به سطر مقایسه شد و ضمن استخراج اشکال مختلف تفاوت‌ها و نادرستی‌های متن، این داده‌ها به شکل جداول مختلف طبقه‌بندی شده و در ادامه مقاله گنجانده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش مشابهی در این حوزه که مبتنی بر آسیب‌شناسی تصحیح نسخ خطی فارسی در ترکیه و یا غزوات سلطان سلیم باشد، تولید نشده است و پژوهش‌ها محدود به مقدمات دو تصحیح انجام‌شده در دانشگاه استانبول و مرکز پژوهشی میراث مکتوب بوده است. مضافاً اینکه، پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص غزوات سلطان سلیم، وارد جنبه آسیب‌شناسی نشده‌اند (بابائی، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۲۱؛ بابائی، ۱۴۰۰: ۹۱-۱۰۸؛ Yördem, 2019: 46-67).

۲. تعریف مفاهیم

۱-۲ ترانسکرپسیون^۱: آوانگاری یا ترانسکرپسیون در موضوع حاضر به فرایند بازگرداندن الفبای متون ترکی عثمانی از رسم الخط عربی/فارسی به رسم الخط ترکی جدید (لاتین) اطلاق می‌شود که از سوی موسسات پژوهشی و فرهنگی و نیز دانشگاه‌های ترکیه پیگیری می‌شود.

۲-۲ تصحیح متون: در موضوع حاضر مراد از تصحیح متون، روزآمد کردن متن آثار کتابی کهن تاریخ و ادبیات عثمانی است؛ از این رو، ویرایش متون پژوهشی از دایره موضوع حاضر بیرون خواهد بود.

۳. زبان فارسی و نسخ فارسی در قلمرو عثمانی

زبان فارسی در ساختار حکومتی عثمانی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده بود و همواره در بخش‌های مختلف تشکیلات حکومتی عثمانی مورد توجه بوده است. خلاف آنچه که در خصوص رسمی‌بودن زبان فارسی در دربار عثمانی مطرح است، این زبان، زبان رسمی دیوانی و درباری عثمانیان نبود، اما در بخش‌های مختلف اداری و درباری تشکیلات حکومتی عثمانیان و نیز در حوزه ادبیات و تاریخ‌نویسی عثمانیان، نفوذ و حضور بسیار چشمگیری داشت و در کنار زبان ترکی (زبان قاطبه عثمانیان) و زبان عربی (زبان طبقه علمیه) از زبان‌های رایج در میان عثمانیان شمرده می‌شد. تاریخ‌نویسی عثمانیان به سبب وجود پیشینه سلجوقی و نیز حضور عجمان^۲ در قلمرو عثمانی از زبان فارسی تاثیر فراوان پذیرفته است؛ چندان که نخستین گونه تاریخ‌سرایی و تاریخ‌نویسی رسمی عثمانیان که در ساختار درباری عثمانی دارای مقرری بود، شاهنامه‌سرایی بود که در راس آن شاهنامه‌جی قرار داشت و ضمن انتصاب از سوی سلطان، از خزانه حکومتی، صاحب‌موجب بود. این گونه ادبی و تاریخی غالباً در دست ایرانیان بود و سرایندگان، آثاری را پدید آوردند که وزن و لحن و زبان شاهنامه فردوسی را الگو قرار داده بود(بابائی، ۱۴۰۳: ۶۶-۶۷). آثاری نظیر شاهنامه خاقانی، سلیمان‌نامه، فتوحات جمیله، هنرنامه و ... از آن جمله‌اند که به زبان فارسی منظوم و در بحر متقارب ترتیب یافته‌اند که شماری از آنها در ترکیه تصحیح و چاپ شده است.

۱ Transkripsiyon / Transcription / فرایند تغییر حروف واژه‌ها از رسم الخطی به رسم الخط دیگر

۲. بر خلاف تلقی منفی از واژه عجم در سده‌های متقدم هجری، «عجم» در میان عثمانیان عنوانی احترام‌آمیز برای ایرانیان بود و از شروط شاعران درباری عثمانی در دوره کلاسیک، عجم‌بودن، بوده است.

شاهنامه‌نویس یا شهنامه‌جی با الگوگرفتن از شاهنامه فردوسی و به زبان فارسی، به بیان ادیبانه تاریخ عثمانی و برجسته‌کردن داستان‌های پیروزی و فداکاری‌های عثمانیان در جهت افزایش شکوه و مشروعیت آنان می‌پرداخت. نخستین شهنامه‌جی عثمانی، شاعری ایرانی به نام فتح‌الله عارف (م. ۹۶۹ق)، بود که در سال ۹۵۷ق، پس از ایجاد این منصب، عهده‌دار آن شد و این وظیفه را تا اواخر دوره حکومت سلیمان قانونی برعهده داشت (عطائی، ۱۲۶۹ق: ص ۳۱). از آثار فتح‌الله عارف دو اثر به عنوان طرح پژوهشی دانشگاهی مورد بررسی و تصحیح قرار گرفته است. یکی از آثار عارف، فتوحات جمیله است که مصحح آن گویا یک دانشجوی کارشناسی ارشد ایرانی به نام داود ابراهیمی بوده که در دانشگاه استانبول کار را به سر برده و نسخه کم‌غلطی را ارائه داده است (Ebrahimi, 1991). اما اثر مهم عارف به نام شاهنامه که بخش مهم اصلی آن که به شکل کامل به جای مانده، سلیمان‌نامه نام دارد که توسط احمد فاروق چلیک به عنوان رساله دکتری در دانشگاه آنکارا تصحیح شده و سرشار از اغلاط و بدخوانی است (Çelik, 2009).

در میان خیل گسترده‌ای از آثار ادبی و صوفیانه فارسی تالیف شده در قلمرو عثمانی، گونه تاریخنگاری دیگری نیز وجود دارد که سلیم‌نامه خوانده می‌شد و از سوی مولفان جهت مشروعیت‌بخشی به اقدامات سلطان سلیم اول در جهت کسب تاج و تخت (سلطان سلیم اول در راه کسب تاج و تخت، به جبر و زور متوسل شد و ضمن خلع پدر از قدرت و کشتار برادران و برادرزادگان، ظن قتل پدر نیز در کارنامه او وجود دارد) به نگارش درآمده‌اند. سلیم‌نامه‌ها به زبان‌های ترکی و عربی و فارسی نوشته شده‌اند که در میان این آثار، دو سلیم‌نامه از سوی دو نسخه‌ای ایرانی به فارسی نوشته شده‌اند. یکی از اینان ادريس بدلیسی -نگارنده تاریخ فارسی هشت بهشت- بوده که به همراه فرزند ابوالفضل الدفتری، سلیم‌شاهنامه را به نگارش درآورده‌اند. اثر اخیر به دست دکتر حجایی قیرلانقیج به عنوان رساله دکتری تصحیح شده (بدلیسی، ۱۹۹۵) و به شکل منقح و کامل‌تر نیز به چاپ رسیده است (K rlang ۲۰۰۱). دیگر اثر فارسی حوزه سلیم‌نامه‌نویسی، غزوات سلطان سلیم نوشته قاضی‌زاده اردبیلی است.

۴. بررسی کاستی‌ها و نادرستی‌های غزوات سلطان سلیم

قاضی‌زاده اردبیلی مورخی ایرانی است که اثری به زبان فارسی و با عنوان غزوات سلطان سلیم دربارهٔ حملهٔ عثمانی به مصر نگاشته است که تاکنون کم‌شناس باقی مانده بود. غزوات سلطان سلیم، به شمارهٔ ۸۲۵، در کتابخانهٔ حاجی سلیم‌آغا در استانبول قرار دارد که دارای ۲۳۷ برگ به زبان فارسی و به قلم نسخ است. این اثر که دربارهٔ حملهٔ عثمانی به مصر نگاشته شده، تاکنون کمتر شناخته شده بود. اثر قاضی‌زاده را به سبب آن‌که مؤلف در لشکر فاتح مصر حضور داشته و وقایع را از نزدیک مشاهده و ثبت کرده است، می‌توان از مهم‌ترین منابع در باب فتح مصر قلمداد کرد. غزوات سلطان سلیم، اخبار عثمانی را از هفتم ربیع‌الاول سال ۹۲۲ تا بازگشت سلیم به استانبول در پنجم جمادی‌الاول سال ۹۲۴ در بر می‌گیرد و احتمالاً پس از بازگشت از مصر در سال ۹۲۵ ق و در شهر استانبول به پایان رسیده است. این اثر در ایران توسط موسسه پژوهشی میراث مکتوب و توسط طاهر بابائی تصحیح و چاپ شده است (قاضی‌زاده اردبیلی، ۱۴۰۰). همین نسخه، از سوی اسرا یوردم به عنوان رساله دکتری مورد تصحیح قرار گرفته که به عنوان پایه مقاله حاضر به بررسی بدخوانی‌های آن به عنوان نمونه تصحیح آثار فارسی در ترکیه پرداخته خواهد شد (Yördem, 2018).

۴-۱ نادرست‌خوانی به سبب اعیاج ناقص

نقطه‌گذاری یا اعیاج از موارد مهم در خواندن صحیح کلمات در نسخ خطی است و عدم انجام مناسب آن، پیچیدگی‌های متن را در نسخ منحصر به فرد (همچون نسخه غزوات سلطان سلیم) دو چندان می‌کند. در نسخه خطی غزوات سلطان سلیم، نقطه‌گذاری‌ها به شکل ناقص انجام شده و کاتب در برخی موارد از نقطه‌گذاری حروف، غفلت کرده است. این اعیاج ناقص می‌تواند ناشی از تعجیل کاتب، اهمال و کاهلی کاتب، زیبانویسی، شیوه خاص کتابت و یا بدیهی بودن خواندن برخی از کلمات بوده باشد. به هر روی این شیوهٔ نگارش، سبب افزایش ورود نادرستی‌ها به متن شده که ضمن نامفهوم شدن واژگان، به نامفهوم شدن متن و فهم ثقیل مطالب انجامیده است. در این میان، نگارش واژه‌هایی همچون مشکین به شکل مسکین، خال به شکل حال، خط به شکل حظ، ظاهر به شکل طاهر، میغ به شکل منع، بحار به شکل بخار، غرض به شکل عرض، بحاره به شکل بیچاره، دبار به شکل دیار، مباحی به شکل مناهی، سُمس به شکل شمس و ... مفهوم جمله را به کل تغییر می‌دهد و نگارش

واژه‌هایی همچون اعتنای به شکل اعتنای، فیج به شکل فج، بیخش به شکل بنخش، صفت به شکل صغت، بر تنقیح به شکل برشیح و بسیاری دیگر که بی معنی است، جملات را بی معنا و بی ربط می‌سازد (نک: جدول شماره ۱).

۲-۴ نادرست خوانی به سبب اتصال نادرست کلمات

دیگر موردی که سبب شده است تا متن و مفهوم جملات به بیراهه روند، متصل کردن نادرست واژگان و تلقی این که دو واژه یک کلمه را در بر می‌گیرد، بوده است. در متصل نویسی و عدم جداسازی کلمات، واژه‌هایی پدید آمده است که همچون بحر ور، مروان، بسی با، عفوان، سراز تن، مغززا و بکه زن معنی خاصی ندارند و شماری از آنها نظیر بحر (به جز)، بهر (به هر)، برای (به رای)، پیکی (به یکی)، بر قبه (به رقبه) بامداد (به امداد) و کو بشتابد (کو به شتابد = کسی که بهتر شتابد) معانی کاملاً بی‌ربطی را در بر می‌گیرد و مطالعه اثر را بسیار دشوار کرده است. (نک: جدول شماره ۲).

۳-۴ نادرست خوانی به سبب جداسازی نادرست کلمات

در تصحیح آثار، مصحح در روزآمد کردن متن، برخی تغییرات مجاز را اعمال می‌کند تا پژوهشگر امروزی در خواندن اثر با مشکلات کمتری مواجه شود. از آن جمله می‌توان به جداسازی برخی پسوندها و یا پیشوندها اشاره کرد. نظیر جدانویسی آنرا (آن را)، کرا (که را)، ترا (تورا) و بسوی (به سوی). همچنین، برخی از مصححان وفادار به اصل متن، در این گونه موارد نیز دست نمی‌برند و معتقدند که باید نحوه نگارش نیز در تصحیح منتقل شود. هر دو شکل اگر به شکلی یکسان در متن رعایت شوند، بی‌اشکال خواهند بود، اما اینکه شماری از موارد جداسازی شود و شماری متصل، پذیرفتنی نخواهد بود. در تصحیح دانشگاه استانبول، این ناهمگونی به چشم می‌خورد که در بحث متصل نویسی موارد متعددی به شکل جدول ارائه شده است. مشابه همین موارد، جداسازی نادرست واژه‌های عربی است که نباید آنها را فارسی سازی کرد. نمونه پر کاربرد «ب» حرف جر در عربی است که به شکل حرف اضافه «به» فارسی تصحیح شده است. بکل (به کل)، بقاضی زاده (به قاضی زاده)، بتوابعها (به توابعها)، بحرکه (به حرکت)، باضعف (به اضعف) و بتوفیق (به توفیق) از واژه‌هایی هستند که در جمله و متن عربی آورده شده بودند و نباید آنها را به شکل فارسی جدا نوشت. در برخی موارد، وضع به شکل غیر قبولی پیش رفته و مواردی که اساساً به «به» ارتباطی ندارد، با این حرف اضافه

فارسی آورده شده است. بدره‌های (به دره‌های)، بوادی = جمع بادیه (به وادی)، بهنساویه = منتسب به شهر بهنسا (به هنساویه) و پرچم زلف (به رحم زلف!) از این مواردند. جدانویسی واژه‌های مستقلی همچون دوادارکان = منصب دوادار (دواد ارکان)، اوامرنا (او امرنا)، نوادر بیان (نوا در میان)، زورور = داروی چشم (ز زور) و ازاره (از اراه!) از نمونه‌های دیگر به شمار می‌آیند (نک: جدول شماره ۳).

۴-۴ نادرست‌خوانی در به‌کارگیری گ، چ، پ و ژ

وجود چهار صامت گ، چ، پ و ژ که در رسم‌الخط کهن عربی مورد استفاده نبود، در متون نخستین عثمانی نیز مشاهده می‌شود و بسیاری از کاتبان عثمانی نیز با جایگزینی ک، ج، ب و ز به این مشکل، پاسخ داده‌اند. در متن نسخه قاضی زاده، گاه از گ، چ، پ و ژ استفاده شده و گاه از جایگزین‌ها کمک گرفته شده است که مصحح به سیاق تلفظ کنونی می‌تواند آنها را روزآمد کند. برای برخی از واژه‌ها نظیر بیک، بیکلریگی و فکار که هر دو شکل در منابع پربسامدند، می‌توان به همان شکل نگارش کاتب بسنده کرد، اما برخی از موارد که سبب نامفهوم شدن یا تغییر معنی می‌شوند، باید اصلاح گردند. مواردی همچون تیزگام (تیزکام)، خنگ (خنک)، می‌گردند (می‌کردند)، تنگ (نیک)، برگرد (برکرده)، گردن مفاخرت (کردن مفاخرت)، بیشتر (بیشتر)، تگ (تک)، گنج (کنج) گمان (کمان) و چری (جری) معنی جمله را تغییر داده‌اند و برخی همچون بازگونه، دیباجه، هزیران، کیم، حل‌گه، آزاد گردگان، غنجه، حرب‌زبانی و بگه مستعمل نیستند و باید تغییر می‌یافت. مضافاً اینکه برخی از واژگان اساساً این حروف غیر عربی را دارا نبوده‌اند و به‌اشتباه جایگزین‌سازی شده است. مواردی همچون پیدای (بیدای = بیایان)، گشته (کشته)، چنان (چنان)، تنگ (تنگ) و پیش (پیش). نیز برخی از واژگان دارای پسوند «گی» فارسی در سیاق عربی به‌شکل «کی» مورد استفاده بوده‌اند و به عنوان اصطلاح خاص در متون ترکی و عربی نیز بسیار به کار گرفته شده‌اند. از این رو، جایگزینی «کی» با «گی» نادرست خواهد بود. به‌خصوص که در جملات عربی به کار رفته باشند. جامکی، خاصکی، خاصکیان و الخاصکیات از آن جمله‌اند (نک: جدول شماره ۴).

۴-۵ نادرست‌خوانی به سبب شیوه خاص نگارش کاتب

یکی از ویژگی‌های مهم نگارش کاتب که سبب سخت‌خوانی و پیدایی نادرستی‌های فراوان در متن خانم یوردم شده، شیوه نگارش الف به خصوص الف مقصور و کوتاه است. کاتب در غالب مواردی

که «ی» به عنوان الف مقصور به پسین خود مضاف می‌شد، از نگارش «ا» پرهیز کرده است که در برخی موارد سبب نادرست‌خوانی جدی واژه‌ها شده است و نسبت به موارد دیگر بسامد بیشتری دارد. گر چه خواننده متخصص شاید به سیاق جملات بتواند این کاستی را متوجه شود، اما در برخی موارد، مفهوم جمله می‌تواند تغییر یابد. نظیر الف: آلف، قوی: قوای، مهون: همایون، ثلث: ثلاث(نک: جدول شماره ۵). دیگر شیوه نگارش کاتب که به ورود چنین خط‌هایی به متن انجامیده، عدم نگارش «ی» و یا اعجام آن است که غالباً در کلمات عربی به چشم می‌خورد که گاه معنی واژه را به کل عوض کرده است(نک: جدول شماره ۶).

۴-۶ نادرست‌خوانی به سبب ناتوانی در خواندن کلمات

یکی از بزرگترین ایراداتی که به متن دانشگاه استانبول وارد است، بدخوانی و ناتوانی در خوانش کلمات است. این بدخوانی در غالب موارد سبب ابداع کلماتی شده است که معنی خاصی ندارند. علت مهم ورود چنین حجمی از اشتباهات، ناتوانی مصحح در خوانش کلمات بوده که از عدم تسلط کامل بر زبان فارسی حکایت دارد. این عدم تسلط سبب شده است تا مصحح در مواردی که به واژگان مبهم می‌رسد، به شکل‌خوانی و شکل‌نویسی دست یازد و شبیه‌ترین کلمه را برگزیند. همین شبیه‌گزینی سبب شده است تا مجموعه‌ای از واژه‌های ساختگی و بی‌معنا خلق شود که جملات را نامفهوم ساخته است. دولا نوای، معنون، زمریه، زورکار، خود وا و وارهان، هوس سیف و ... همچنین، شماری از واژگان نیز که مشابه معنادار برایشان قرار داده شده، ارتباطی به جمله ندارند و بر ابهام جملات افزوده‌اند(نک: جدول شماره ۷).

۴-۷ افتادگی‌های اثر

با وجود، شمار فراوان ایرادات مربوط به بدخوانی و بدنویسی، میزان افتادگی‌های نسخه اندک بوده و از پنج مورد تجاوز نمی‌کند. حسب بهره‌گیری از تجربیات مصححان، افتادگی‌ها در غالب نسخ، گریزناپذیر است و این اندازه از افتادگی‌ها می‌تواند پذیرفتنی باشد(نک: جدول شماره ۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به تغییر الفبا و رسم الخط در ترکیه، بخش‌های مختلفی از تراث فرهنگی و تاریخی آسیب دید. ترکان برای کاهش آسیب‌هایی همچون شکاف میان نسل معاصر و تراث کهن عثمانیان و جهان اسلام، دست به ابتکاراتی زدند که از آن میان، می‌توان به ترانسکریپسیون با همراهی نهادهای مختلف اشاره کرد که بر اساس آن، الفبای آثار کهن به الفبای لاتین تغییر می‌یابد و البته به سبب قواعد زبانی خاص و برخی عوامل دیگر، انتقال، به‌شکل کامل و دقیق انجام نمی‌شود. این ترانسکریپسیون، غالباً برای آثار چاپی و سپس نسخ مصحح اختصاص یافت و از طریق دانشجویان تحصیلات تکمیلی پیگیری می‌شود. به رغم تصحیح مناسب برخی از آثار فارسی، غالب آثار تصحیح‌شده دانشجویان تحصیلات تکمیلی ترک، سرشار از کاستی‌ها و نادرستی‌ها و به دور از استانداردهای علمی است. برای بررسی علمی این رویه، تصحیح غزوات سلطان سلیم به عنوان رساله دکتری در دانشگاه استانبول گزینش شده که از چند وجه به مشکلات آن پرداخته شده است. در پاسخ به این پرسش که متن تصحیح‌شده نسخ خطی فارسی در دانشگاه‌های ترکیه دارای چه کاستی‌ها و نادرستی‌هایی است؟ موارد زیر اشاره می‌شود. این اثر، در اتصال کلمات و پسوندها و پیشوندها و یا عدم اتصال واژگان و دو واژه تلقی کردن یک واژه، به‌شکل ناصحیحی دست به تصحیح شده و اغلاط فراوانی را وارد متن کرده است. نیز روش دوگانه در جایگزینی حروف غیر عربی (گ، چ، پ و ژ) و یا عدم جایگزینی آنان و یا حتی جایگزینی اشتباه واژه‌هایی که اساساً این حروف را دارا نیستند، بر مغلوط شدن نسخه مصحح افزوده است. شیوه کاتب در افعال ناقص و عدم نقطه‌گذاری برخی از کلمات نیز سبب ورود نادرستی‌های بسیاری به متن شده است. همین مشکل در خصوص واژه‌هایی که کاتب در آن «الف» مقصور یا «ی» را در واژه‌های عربی حذف کرده، کاملاً مشاهده می‌شود. اما مشکل اساسی متن به واژه‌هایی باز می‌گردد که مصحح، ناتوان از خواندن آنها بوده و تنها به جایگزینی کلمات مشابه، هر چند غریب و بی‌معنا دست زده است. این امر، گاه سبب آورده‌شدن برخی از واژه‌های بی‌ارتباط و گاه سبب گزینش برخی از واژگان نامصطلح شده است. در تمامی این موارد، عدم تسلط کافی به زبان فارسی آشکار است. مصحح گرچه توانایی استفاده پژوهشی از زبان فارسی شامل مطالعه آثار چاپی و پژوهشی را دارا

است، اما مطالعه و تصحیح نسخ خطی کهن، مهارتی فراتر از تسلط اولیه به زبان فارسی را طلب می‌کند.

| جدول شماره ۱ | | | |
|--------------|------------------------------------|------|----------------------------|
| صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول | صفحه | شکل صحیح (چاپ میراث مکتوب) |
| ۹۴ | منتبه | ۱۴ | منتبه |
| ۹۶ | تخف | ۱۷ | تخف |
| ۹۹ | مسکین | ۲۱ | مشکین |
| ۹۹ | نبات بنات | ۲۱ | بنات نبات |
| ۱۰۰ | حال | ۲۲ | خال |
| ۱۰۶ | شمه | ۳۰ | شیمه |
| ۱۱۰ | اعتنای | ۳۵ | اعتنای |
| ۱۱۲ | خط | ۳۶ | حظ |
| ۱۱۴ | خط | ۴۱ | حظ |
| ۱۱۷ | تمنع | ۴۶ | تمتع |
| ۱۱۸ | مسک بار | ۴۸ | مشک بار |
| ۱۱۹ | استفضال | ۴۹ | استفصال |
| ۱۲۰ | زرین | ۵۰ | رزین |
| ۱۲۰ | فج | ۵۰ | فیج |
| ۱۲۰ | ارکان رصف | ۵۰ | ارکان رصیف |
| ۱۲۱ | ظاهر | ۵۱ | ظاهر |
| ۱۲۲ | قینه | ۵۴ | قینه |
| ۱۲۴ | نعمه | ۵۶ | نعمه |

| | | | |
|-----|-------------|-----|-------------|
| ۱۲۸ | منع | ۶۱ | میغ |
| ۱۳۱ | سواغب | ۶۵ | سواغب |
| ۱۳۳ | طرف | ۶۸ | طرق |
| ۱۳۳ | اختبار | ۶۸ | اختیار |
| ۱۳۶ | مسوی | ۷۴ | مستوی |
| ۱۳۸ | مبنی | ۷۶ | منبی |
| ۱۴۲ | رقت | ۸۲ | رقیت |
| ۱۴۵ | فرار | ۸۶ | فراز |
| ۱۴۵ | بنحش | ۸۶ | بیخش |
| ۱۴۵ | اظهار | ۸۶ | اطهار |
| ۱۴۷ | پانزده هراز | ۸۸ | پانزده هزار |
| ۱۵۳ | حرام | ۹۷ | حزام |
| ۱۵۶ | کیان نوان | ۱۰۱ | کیان توان |
| ۱۵۷ | تیز | ۱۰۳ | نیر |
| ۱۵۷ | بر رشته | ۱۰۳ | بر رشته |
| ۱۵۸ | نخس | ۱۰۴ | بخس |
| ۱۶۱ | نیزه باران | ۱۰۸ | نیزه بازان |
| ۱۷۱ | حولان | ۱۲۳ | خولان |
| ۱۷۶ | تجدد | ۱۳۱ | تحدد |
| ۱۷۹ | انفاق | ۱۳۶ | ایفاق |
| ۱۸۸ | بخار | ۱۴۹ | بحار |
| ۱۹۵ | تفریق | ۱۶۰ | تغریق |
| ۱۹۶ | منبر | ۱۶۱ | منیر |

| | | | |
|-----|--------------|-----|--------------|
| ۱۹۶ | حقن | ۱۶۱ | حقن |
| ۲۰۷ | ما ملک درازی | ۱۷۵ | ما ملک دراری |
| ۲۰۷ | فرضت | ۱۷۶ | فرصت |
| ۲۰۹ | بار | ۱۷۹ | باز |
| ۲۰۹ | انفاد | ۱۸۰ | ایقاد |
| ۲۰۹ | صغت | ۱۸۰ | صفت |
| ۲۰۹ | تعبیر | ۱۸۰ | تغییر |
| ۲۱۰ | جلجولیه | ۱۸۳ | جلجولیه |
| ۲۱۱ | انفاد | ۱۸۴ | انفاد |
| ۲۱۱ | عرض | ۱۸۵ | غرض |
| ۲۱۶ | نبات بنات | ۱۸۹ | بنات نبات |
| ۲۱۶ | ایقان | ۱۹۰ | اتقان |
| ۲۱۹ | تفیصل | ۱۹۴ | تفصیل |
| ۲۱۹ | بجملها | ۱۹۶ | بجملها |
| ۲۲۰ | تقاضی | ۱۹۷ | تقصی |
| ۲۲۶ | اقبال | ۲۰۷ | اقبال |
| ۲۲۶ | هضب | ۲۰۷ | مصب |
| ۲۲۶ | تلبیس | ۲۰۷ | بلبیس |
| ۲۳۱ | ایتان | ۲۱۳ | ایتان |
| ۲۳۲ | شمس | ۲۱۴ | شمس |
| ۲۳۲ | تحریص | ۲۱۴ | تحریض |
| ۲۳۵ | عرض | ۲۲۱ | غرض |
| ۲۳۷ | کرتبای | ۲۲۳ | کرتبای |

| | | | |
|-----|------------|-----|--------------|
| ۲۳۸ | لدغ | ۲۲۵ | لذع |
| ۲۴۲ | حضرای تیغ | ۲۲۸ | حضرای تیغ |
| ۲۴۲ | ایشک آقاسی | ۲۲۸ | ایشیک آقاسی |
| ۲۴۵ | سام | ۲۳۲ | شام |
| ۲۴۵ | ختام | ۲۳۲ | خیام |
| ۲۴۷ | انکار | ۲۳۵ | ابکار |
| ۲۴۸ | نهیب | ۲۳۶ | نهایت |
| ۲۴۹ | بترای | ۲۳۸ | تبرای |
| ۲۵۶ | مخایف | ۲۴۶ | مخایف |
| ۲۵۶ | بر شیخ این | ۲۴۷ | بر تنقیح این |
| ۲۵۸ | نقاد | ۲۴۹ | نفاذ |
| ۲۵۹ | انتعاش | ۲۵۱ | انتقاش |
| ۲۶۱ | جئینه | ۲۵۴ | حنینه |
| ۲۶۵ | به اذار | ۲۵۸ | به انذار |
| ۲۶۵ | عذر | ۲۵۸ | غدر |
| ۲۶۵ | خنفی | ۲۵۹ | حنفی |
| ۲۶۵ | این شحنة | ۲۵۹ | ابن شحنة |
| ۲۶۶ | مرارعان | ۲۶۲ | مزارعان |
| ۲۷۲ | مسک | ۲۷۰ | مشک |
| ۲۷۲ | اوفر | ۲۷۰ | اذفر |
| ۲۷۲ | دولا نوای | ۲۷۰ | ذوالانوار |
| ۲۷۷ | حلبی | ۲۷۶ | جبلی |
| ۲۷۸ | اجرای | ۲۸۰ | اجزای |

| | | | |
|-----|-----------|-----|-----------|
| ۲۸۰ | از اتحاد | ۲۸۲ | از اتخاذ |
| ۲۸۱ | بیچاره | ۲۸۵ | بحاره |
| ۲۸۲ | به تقلب | ۲۸۷ | به تغلب |
| ۲۸۵ | حزم | ۲۹۱ | خرم |
| ۲۸۵ | جازم | ۲۹۱ | حازم |
| ۲۸۵ | بیتوته | ۲۹۱ | بینونه |
| ۲۹۰ | تغریب | ۲۹۷ | تعزیب |
| ۲۹۲ | محزم | ۳۰۰ | مجزم |
| ۲۹۵ | تخیلاتش | ۳۰۶ | نخیلاتش |
| ۲۹۷ | نقاد | ۳۰۹ | نفاذ |
| ۲۹۷ | به حزم | ۳۰۹ | به جزم |
| ۲۹۹ | حوض نماند | ۳۱۱ | حوض نماید |
| ۳۰۰ | اخذی | ۳۱۳ | احدی |
| ۳۰۳ | دیار | ۳۱۷ | دبار |
| ۳۰۹ | لبنات | ۳۲۵ | لنبات |
| ۳۱۰ | تمحل | ۳۲۶ | تمجل |
| ۳۱۰ | حیف | ۳۲۶ | جیف |
| ۳۱۳ | حضرت | ۳۳۱ | خضرت |
| ۳۱۴ | مناهی | ۳۳۲ | مباهی |
| ۳۱۶ | تحریری | ۳۳۵ | نحریری |
| ۳۱۹ | شمس | ۳۳۰ | شمش |
| ۳۲۰ | إختباراً | ۳۴۰ | اختباراً |
| ۳۲۴ | سوق | ۳۴۹ | شوق |

| | | | |
|-----|-------|-----|---------|
| ۳۲۵ | تقی | ۳۵۰ | نقی |
| ۳۳۰ | احذ | ۳۵۸ | اخذ |
| ۳۳۱ | بحار | ۳۶۰ | به بحار |
| ۳۳۲ | حربزه | ۳۶۰ | جربزه |
| ۳۳۳ | حل | ۳۶۲ | جل |
| ۳۳۳ | تفریح | ۳۶۲ | تفریح |
| ۳۳۴ | مخذول | ۳۶۳ | مخذول |

جدول شماره ۲

| صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول | صفحه | شکل صحیح (چاپ میراث مکتوب) |
|------|------------------------------------|------|----------------------------|
| ۱۱۶ | بحر | ۴۳ | به جز |
| ۱۱۸ | بحرور | ۴۷ | به حرور |
| ۱۲۵ | بهر | ۵۷ | به هر |
| ۱۲۶ | بهر | ۵۹ | به هر |
| ۱۴۴ | مروران | ۸۵ | مرور آن |
| ۱۴۶ | بیرد | ۸۷ | به برد |
| ۱۴۶ | با ساقه | ۸۸ | به اساقه |
| ۱۴۷ | برای | ۸۸ | به رای |
| ۱۶۱ | بسی با | ۱۰۸ | به سیبا |
| ۱۶۵ | نبرد | ۱۱۴ | به نزد |
| ۱۶۸ | بهر | ۱۱۷ | به هر |
| ۱۹۱ | بالتیام | ۱۵۳ | به التیام |

| | | | |
|-----|-----------|-----|-------------|
| ۲۰۰ | کو بشتابد | ۱۶۵ | کو به شتابد |
| ۲۰۸ | مختاران | ۱۷۸ | مختار آن |
| ۲۱۳ | بقیه | ۱۸۶ | به قبه |
| ۲۲۳ | عفوان | ۲۰۱ | عفو آن |
| ۲۲۸ | راعد | ۲۰۹ | ز اعدا |
| ۲۳۱ | اغرار | ۲۱۳ | اعزاز |
| ۲۳۲ | بامداد | ۲۱۵ | به امداد |
| ۲۵۱ | سرا ز تن | ۲۴۰ | سر از تن |
| ۲۵۲ | ببرد | ۲۴۲ | به برد |
| ۲۶۲ | اعزاز | ۲۵۵ | اعزاز |
| ۲۶۶ | بخار بست | ۲۶۲ | به خار بست |
| ۲۸۸ | پیکی | ۲۹۴ | به یکی |
| ۳۰۱ | بحر | ۳۱۴ | به جز |
| ۳۰۵ | مغز را | ۳۲۰ | مغز را |
| ۳۲۷ | بران | ۳۵۳ | بر آن |
| ۳۳۳ | براق | ۳۶۱ | به راق |
| ۳۳۴ | بکه زن | ۳۶۲ | به گهزن |
| ۳۳۵ | بر قبه | ۳۶۵ | به رقبه |

جدول شماره ۳

| صفحه | شکل صحیح (چاپ) | صفحه | شکل کلمه در تصحیح | صفحه |
|------|----------------|------|-------------------|------|
| | میراث مکتوب) | | دانشگاه استانبول | |
| ۱۱۳ | بدره‌های | ۳۹ | به درهای | |

| | | | |
|-----|--------------|-----|------------|
| ۱۲۵ | به کل | ۵۸ | بکل |
| ۸۶ | به قاضی زاده | ۳ | بقاضی زاده |
| ۱۳۴ | به توابعها | ۷۰ | بتوابعها |
| ۱۴۳ | به حرکت | ۸۳ | بحرکه |
| ۱۵۶ | به جز | ۱۰۱ | بحر |
| ۱۸۱ | با سرها | ۱۴۰ | بأسرها |
| ۱۸۳ | به اضعف | ۱۴۳ | باضعف |
| ۱۹۵ | دواد ارکان | ۱۶۰ | دوادارکان |
| ۱۹۶ | او امرنا | ۱۶۱ | اوامرنا |
| ۲۱۵ | نوا در میان | ۱۸۸ | نوادر بیان |
| ۲۲۹ | به توفیق | ۲۱۰ | بتوفیق |
| ۲۳۳ | به وادی | ۲۱۶ | بوادی |
| ۲۶۲ | به هنساویه | ۲۵۴ | بهنساویه |
| ۲۷۷ | ز زور | ۲۷۷ | ز زور |
| ۲۷۷ | به توفیق | ۲۷۹ | بتوفیق |
| ۳۰۴ | از اره | ۳۱۸ | ازاره |
| ۳۳۴ | به رحم زلف | ۳۶۳ | پرچم زلف |

جدول شماره ۴

| صفحه | شکل صحیح (چاپ) | صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول |
|------|----------------|------|------------------------------------|
| ۹۱ | تیزگام | ۸ | تیز کام |
| ۹۳ | تفک | ۱۲ | تفگ |

| | | | |
|-----|-------------|-----|-------------|
| ۹۴ | خلفا بیگ | ۱۴ | خلفا بیگ |
| ۹۸ | بازگونه | ۲۰ | بازگونه |
| ۹۸ | کیم | ۲۰ | گیم/کیم |
| ۹۸ | خنک | ۲۰ | خنک |
| ۱۰۲ | کمان | ۲۶ | گمان |
| ۱۱۰ | شمس بیگ | ۳۴ | شمس بیگ |
| ۱۱۲ | از دیباچه | ۳۶ | از دیباچه |
| ۱۱۵ | چرکسیه | ۴۲ | چرکسیه |
| ۱۱۸ | فگار | ۴۸ | فکار |
| ۱۲۱ | می‌گردند | ۵۳ | می‌گردند |
| ۱۲۲ | نیک | ۵۴ | تنگ |
| ۱۲۷ | بیگلربیگی | ۶۰ | بیگلربیگی |
| ۱۲۷ | محمد بیگ | ۶۰ | محمد بیگ |
| ۱۲۸ | قرق پنکار | ۶۱ | قرق پنکار |
| ۱۳۰ | قاپوچی باشی | ۶۴ | قاپوچی باشی |
| ۱۳۸ | قاپوچیان | ۷۶ | قاپوچیان |
| ۱۴۲ | چولکه | ۸۳ | چولکه |
| ۱۵۱ | علی بیگ | ۹۵ | علی بیگ |
| ۱۵۱ | تیز گام | ۹۵ | تیز گام |
| ۱۶۱ | هزبران | ۱۰۹ | هزبران |
| ۱۷۲ | کیم | ۱۲۵ | گیم/کیم |
| ۲۰۰ | محمد بیگ | ۱۶۸ | محمد بیگ |
| ۲۰۰ | عیسی بیگ | ۱۶۸ | عیسی بیگ |

| | | | |
|-----|--------------------|-----|--------------------|
| ۲۰۰ | اسکندر بیگ | ۱۶۸ | اسکندر بیگ |
| ۲۰۰ | چراکسه | ۱۶۸ | چراکسه |
| ۲۰۴ | بر کرده | ۱۷۳ | بر کرده |
| ۲۰۶ | چرکسان | ۱۷۴ | چرکسان |
| ۲۱۳ | سنان بیگ بیگلربیگی | ۱۸۶ | سنان بیگ بیگلربیگی |
| ۲۱۶ | کردن مفاخرت | ۱۹۰ | گردن مفاخرت |
| ۲۳۰ | بیشتر | ۲۱۲ | بیشتر |
| ۲۳۵ | هزبران | ۲۲۱ | هزبران |
| ۲۳۹ | تک | ۲۲۶ | تک |
| ۲۵۵ | حل‌گروه | ۲۴۶ | چل‌گروه |
| ۲۵۹ | آزاد‌گردگان | ۲۵۱ | آزاد‌کردگان |
| ۲۷۱ | غنچه | ۲۶۸ | غنچه |
| ۲۷۵ | کرد | ۲۷۳ | گرد |
| ۲۸۲ | کنج | ۲۸۶ | گنج |
| ۲۸۷ | جری | ۲۹۳ | چری |
| ۲۹۱ | بیابان‌کرد | ۳۰۰ | بیابان‌گرد |
| ۲۹۶ | حرب‌زبانی | ۳۰۷ | چرب‌زبانی |
| ۳۰۸ | کج | ۳۲۳ | گنج |
| ۳۱۲ | بیکران | ۳۲۹ | پیکران |
| ۳۲۱ | بگاه | ۳۴۴ | پگاه |
| ۳۳۳ | بیگ چرکسی | ۳۶۲ | بیگ چرکسی |
| ۱۰۲ | پیدای | ۲۵ | بیدای |
| ۱۲۷ | گشته | ۶۰ | کشته |

| | | | |
|-----|-----------|-----|-----------|
| ۱۳۴ | جامگی | ۷۱ | جامگی |
| ۱۳۶ | خاصگی | ۷۴ | خاصگی |
| ۱۷۹ | جامگی | ۱۳۶ | جامگی |
| ۱۷۹ | خاصگیان | 136 | خاصگیان |
| ۱۸۸ | بی چنان | ۱۴۹ | به چنان |
| ۲۳۷ | الخاصگیات | ۲۳۳ | الخاصگیات |
| ۲۴۴ | تنگ | ۲۳۱ | تنگ |
| ۲۶۴ | پیش | ۲۵۸ | بیش |
| ۲۹۹ | چنان | ۳۱۲ | چنان |

جدول شماره ۵

| صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول | صفحه | شکل صحیح (چاپ میراث مکتوب) |
|------|------------------------------------|------|----------------------------|
| ۹۰ | افضل | ۷ | افضال |
| ۱۰۱ | الف | ۲۴ | آلاف |
| ۱۰۲ | مودى | ۲۵ | مودای |
| ۱۱۴ | اعلى | ۴۰ | اعلای |
| ۱۱۶ | مضى | ۴۵ | مضای |
| ۱۱۹ | فحوى | ۴۹ | فحوای |
| ۱۲۱ | مسموع قوى | ۵۱ | مسموع قوای |
| ۱۲۲ | مأوى | ۵۴ | مأوای |
| ۱۲۴ | کشورگشایی | ۵۶ | کشورگشای |
| ۱۲۵ | مئوى | ۵۷ | مئوای |

| | | | |
|-----|-------|-----|----------------|
| ۱۳۰ | قوی | ۶۴ | قوای |
| ۱۵۱ | معلی | ۹۵ | معلای |
| ۱۷۴ | اجلی | ۱۲۷ | اجلای |
| ۱۸۱ | مهن | ۱۴۰ | همایون (همیون) |
| ۱۸۴ | مشری | ۱۴۴ | مشرای |
| ۱۸۵ | ثلث | ۱۴۵ | ثلاث |
| ۱۸۵ | سموات | ۱۴۵ | سماوات |
| ۲۱۲ | اقصی | ۱۸۵ | اقصای |
| ۲۳۲ | مجلی | ۲۱۵ | مجلای |
| ۲۳۵ | سموات | ۲۲۱ | سماوات |
| ۲۶۱ | ثلث | ۲۵۳ | ثلاث |
| ۲۹۱ | قوی | ۲۹۹ | قوای |
| ۳۱۷ | قصوی | ۳۳۷ | قصوای |
| ۳۱۷ | فتوی | ۳۳۷ | فتوای |

جدول شماره ۶

| صفحه | شکل صحیح (چاپ) | شکل کلمه در تصحیح | صفحه | شکل صحیح (مکتوب) |
|------|----------------|-------------------|------|------------------|
| | | دانشگاه استانبول | | |
| ۹۹ | مقیلا | مقلا | ۲۱ | مقیلا |
| ۱۰۳ | عقیدت | عقدت | ۲۷ | عقیدت |
| ۱۲۰ | ارکان رصیف | ارکان رصف | ۵۰ | ارکان رصیف |
| ۱۳۳ | تقبیل | تقبل | ۶۹ | تقبیل |
| ۱۴۲ | رقیت | رقت | ۸۲ | رقیت |

| | | | |
|-----|------------|-----|-------------|
| ۱۷۵ | مفاتیح | ۱۳۱ | مفاتیح |
| ۱۸۳ | مواتیق | ۱۴۲ | مواتیق |
| ۱۹۱ | تیسیر | ۱۵۴ | تیسیر |
| ۱۹۶ | الدنانیر | ۱۶۱ | الدنانیر |
| ۲۱۴ | تفتیش | ۱۸۸ | تفتیش |
| ۲۲۵ | مناشر | ۲۰۳ | مناشیر |
| ۲۲۹ | رفع المثل | ۲۱۱ | رفیع المثل |
| ۲۴۹ | ترجیح | ۲۳۸ | ترجیح |
| ۲۵۸ | به تبلیغ | ۲۵۰ | به تبلیغ |
| ۲۶۹ | فسح البیان | ۲۶۵ | فسیح البیان |
| ۲۷۸ | لطف | ۲۸۰ | لطیف |
| ۳۲۵ | ینابع | ۳۵۰ | ینابع |
| ۳۲۶ | تفسح | ۳۵۱ | تفسیح |

جدول شماره ۷

| صفحه | شکل صحیح (چاپ) | صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول |
|------|----------------|------|------------------------------------|
| ۸۸ | بر من | ۵ | برین |
| ۸۹ | منهج مآرب | ۶ | منتج مآرب |
| ۹۰ | آمل | ۷ | آیل |
| ۹۱ | افکار | ۸ | انکار |
| ۹۱ | خزف ریزه | ۸ | صرف ریزه |
| ۹۲ | مستخلص | ۱۲ | متخلص |

| | | | |
|-----|--------------|-----|---------------|
| ۹۵ | باکنفها | ۱۵ | باکتعها |
| ۹۵ | عاقل | ۱۵ | عاطل |
| ۹۵ | اهل | ۱۵ | امل |
| ۹۷ | به شیب | ۱۹ | و تشیب |
| ۹۸ | با صدق | ۲۰ | ماصدق |
| ۱۰۰ | مقتصدین | ۲۲ | مقصدین |
| ۱۰۰ | دلاجویی | ۲۲ | ولاجویی |
| ۱۰۰ | احتمالش | ۲۳ | انتمایش |
| ۱۰۴ | ارادت انارهء | ۲۷ | ارائه اناره |
| ۱۰۷ | مخفی | ۳۲ | مختفی |
| ۳۴ | فایت | ۱۰۸ | غایت |
| ۱۱۲ | ماه | ۳۹ | میاه |
| ۱۱۳ | رماح | ۳۹ | ریاح |
| ۱۱۴ | بیتوته | ۴۱ | بینونت |
| ۱۱۵ | به رمه عسکر | ۴۲ | به اورمه عسکر |
| ۱۱۷ | اعتایه | ۴۶ | انتباهیه |
| ۱۲۲ | ابد شد | ۵۵ | آمد شد |
| ۱۲۳ | ما و ملک | ۵۵ | مأو[۱] ملک |
| ۱۲۵ | معتیان | ۵۸ | مقنیان |
| ۱۲۷ | انگشت مایی | ۶۰ | انگشت نمای |
| ۱۳۰ | سمن | ۶۴ | سمت |
| ۱۳۱ | اهبهء | ۶۵ | اهبت |
| ۱۳۴ | فروز | ۷۱ | فیروز |

| | | | |
|-----|--------------------|-----|--------------------|
| ۱۳۸ | تشع | ۷۶ | تشع |
| ۱۳۹ | تقدیر | ۷۷ | تصدیر |
| ۱۳۹ | تمیم | ۷۸ | تتمیم |
| ۱۴۴ | کادد | ۸۵ | کاود |
| ۱۴۷ | سهم | ۸۸ | بینهم |
| ۱۵۲ | بی چمن | ۹۶ | پنجمین |
| ۱۵۳ | غیاهب | ۹۸ | عنایب |
| ۱۵۶ | معصوده | ۱۰۱ | معهوده |
| ۱۵۶ | امثال | ۱۰۲ | اممثال |
| ۱۵۷ | و وزیر | ۱۰۳ | دو وزیر |
| ۱۵۸ | منقصت | ۱۰۴ | مباغضت |
| ۱۶۱ | به تأمین | ۱۰۹ | به تاین |
| ۱۶۳ | برآورده | ۱۱۱ | تراویده |
| ۱۶۷ | رماح | ۱۱۷ | ریاح |
| ۱۷۱ | وطن | ۱۲۴ | وظان |
| ۱۷۳ | علیه | ۱۲۶ | ملیه |
| ۱۷۷ | منبعان | ۱۳۳ | میعان |
| ۱۷۸ | سرآب سراب | ۱۳۴ | سراب و سرآب |
| ۱۷۹ | اسبه و یراق | ۱۳۶ | اهبت و یراق |
| ۱۸۰ | تأمن | ۱۳۷ | تیامن |
| ۱۸۰ | اسبه | ۱۳۷ | اهبت |
| ۱۸۴ | استحصان | ۱۴۴ | استحصان |
| ۱۸۵ | که تا مهندس گر یأس | ۱۴۵ | که مهندس کریاس کون |

| | | | |
|--------------|------------|-----|-----|
| و فساد | گون و فساد | | |
| اهبت | اسبه | ۱۵۵ | ۱۹۲ |
| عنایب | عناهب | ۱۶۰ | ۱۹۵ |
| اهبت | اعبه | ۱۶۸ | ۲۰۱ |
| و آن حدود | و الخدود | ۱۷۷ | ۲۰۸ |
| وجوه | و چون | ۱۹۰ | ۲۱۶ |
| مصب | هضب | ۲۰۷ | ۲۲۶ |
| انتظام | انتقام | ۲۱۴ | ۲۳۲ |
| دست آرزو | دست از او | ۲۲۰ | ۲۳۵ |
| از بیم | از هم | ۲۲۵ | ۲۳۹ |
| ابدان | آبدان | ۲۲۶ | ۲۳۹ |
| جگر خون | جگرگون | ۲۲۶ | ۲۴۰ |
| ایشیک آقاسی | ایشک آقاسی | ۲۲۸ | ۲۴۲ |
| به انشراب | با شراب | ۲۳۲ | ۲۴۴ |
| بر تنقیح این | بر شیخ این | ۲۴۷ | ۲۵۶ |
| انتقاش | انتعاش | ۲۵۱ | ۲۵۹ |
| استنات | استنارت | ۲۵۴ | ۲۶۱ |
| اهبت | اسبه | ۲۵۷ | ۲۶۳ |
| درر | در | ۲۵۷ | ۲۶۴ |
| مزارعان | مرارعان | ۲۶۲ | ۲۶۶ |
| می‌برد | می‌سپرد | ۲۶۲ | ۲۶۶ |
| حیاه هنیئه | حیوة شهیه | ۲۶۷ | ۲۷۱ |
| حائل | حامل | ۲۶۷ | ۲۷۱ |

| | | | |
|-----|---------------|-----|---------------|
| ۲۷۲ | نقد لک | ۲۶۹ | فذلک |
| ۲۷۲ | اوفر | ۲۷۰ | اذفر |
| ۲۷۲ | دولا نوای | ۲۷۰ | ذوالانوار |
| ۲۷۸ | معنون | ۲۸۰ | مفتون |
| ۲۷۸ | ثغراها لها | ۲۸۰ | ثغرا هالیها |
| ۲۸۲ | به تقلب | ۲۸۷ | به تغلب |
| ۲۸۲ | به سیر سایر | ۲۸۷ | به سیر سیر |
| ۲۸۲ | ریاح | ۲۸۷ | رماح |
| ۲۸۵ | بیتوته | ۲۹۱ | بینوته |
| ۲۹۴ | زمریه | ۳۰۲ | زمزمه |
| ۲۹۵ | کافروی | ۳۰۵ | کافوری |
| ۲۹۶ | مترقب | ۳۰۶ | مترتب |
| ۲۹۷ | گهر | ۳۰۸ | کهرت |
| ۲۹۸ | راهش | ۳۱۰ | رأسش |
| ۳۰۱ | نگران دل | ۳۱۴ | یکران دل |
| ۳۰۴ | قصوی قضای رای | ۳۱۹ | قصوای قضا رای |
| ۳۰۴ | عشق | ۳۱۹ | عتیق |
| ۳۰۴ | اسبه و ادام | ۳۱۹ | اهبت و آدم |
| ۳۰۴ | زورکار | ۳۱۹ | روزگار |
| ۳۰۵ | فوات | ۳۱۹ | اقوات |
| ۳۰۸ | مثال | ۳۲۴ | مقال |
| ۳۱۰ | امانت | ۳۲۶ | امامت |
| ۳۱۰ | انجام | ۳۲۶ | اسحام |

| | | | |
|-----|--------------------|-----|----------------------|
| ۳۱۱ | تغزّ | ۳۲۸ | تغیّر |
| ۳۱۲ | قدس | ۳۲۸ | اقدس |
| ۳۱۸ | خود وا و وارهان | ۳۳۸ | خود واره و وارهان |
| ۳۱۸ | هوس سیف | ۳۳۸ | یبوست سیف |
| ۳۱۸ | بنا برین مذکور است | ۳۳۹ | بنا بر این مذکورات |
| ۳۱۹ | شمس | ۳۳۰ | سمش |
| ۳۲۴ | جلیتِ جلیت | ۳۵۰ | جَبَلِیْتِ جَبَلِیْت |
| ۳۲۶ | اوفر | ۳۵۲ | اذفر |
| ۳۳۶ | شرف ابتدای | ۳۶۶ | شرف اهتدای |
| ۳۳۷ | هبه | ۳۶۷ | اهبت |
| ۳۳۷ | از ثبات | ۳۶۹ | از نیات |

جدول شماره ۸

| صفحه | شکل کلمه در تصحیح دانشگاه استانبول | صفحه | شکل صحیح (چاپ میراث مکتوب) |
|------|------------------------------------|------|----------------------------|
| ۹۶ | این کلمه در متن نیامده است. | ۱۷ | ابرام |
| ۱۲۰ | این کلمه در متن نیامده است. | ۵۰ | در شمرده |
| ۱۴۴ | آبش از | ۸۴ | آبش آتش از |
| ۲۳۸ | این قسمت در متن تصحیح نیامده است. | ۲۲۵ | و چون امر عالی نافذ شد. |
| ۳۲۸ | نگار مانی | ۳۵۵ | نگار خانه مانی |

کتابنامه

بابائی، طاهر (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، «ایران دوستی و شیعه‌گرایی قاضی‌زاده اردبیلی در تاریخنگاری عصر سلطان سلیم اول عثمانی (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق)»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۵۲، شماره ۲، ص ۲۰۳-۲۲۱.

بابائی، طاهر (۱۴۰۰). «ترجمه از عربی به فارسی جهت رفع نیاز ترکان عثمانی، مطالعه موردی: ترجمه وفیات‌الاعیان ابن‌خلکان به دستور سلطان سلیم اول»، دومین همایش بین‌المللی زبان عربی و هم‌کنشی تمدنی (پژوهش‌های همسنگ در حوزه زبان و ادبیات)، تهران و کوفه، دانشگاه تهران و کوفه، ص ۹۱-۱۰۸.

بابائی، طاهر (۱۴۰۳). نقش‌نخبان ایرانی در شکوفایی تمدن عثمانی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

بدلیسی، ادریس (۱۹۹۵). سلیم‌شاه‌نامه، به اهتمام حجابی قیرلانقیج (رساله دکتری در انستیتوی علوم اجتماعی)، آنکارا، دانشگاه آنکارا.

عطائی، عطاءالله محمد بن یحیی نوعی‌زاده (۱۲۶۹). ذیل الشقایق (حدائق الحقایق فی تکمله الشقایق)، [استانبول]، طبعخانه عامره.

قاضی‌زاده اردبیلی، کبیر بن اویس (۱۴۰۰). غزوات سلطان سلیم، تصحیح و تحقیق طاهر بابائی، تهران، موسسه پژوهشی میراث مکتوب.

Anhegger, Robert (2013). "Osmanlı Metinlerinin Transkripsiyonu üzerine", Çev. H. Sercan Koşık, Karadeniz (Black Sea-Черное Море), no 18, pp 136- 143.

Çelik, Ahmet Faruk (2009). Süleymanname, Doktora Tezi, Ankara, Ankara Üniversitesi.

Ebrahimi, Davut (1991). Arifi Fethullah Çelebi ve Futuhat-ı Cemile'sinin tenkidli metni, Yüksek Lisans Tezi, İstanbul, İstanbul Üniversitesi.

Kırlangıç, Hicabi (2001). İdrîs-i Bidlî'si, Selim Şah-name, Ankara, Kültür Bakanlığı Yay.

Yazar, İlyas (2008). "Transkripsiyonlu Metinlerin Web Tabanlı Öğrenme Ortamlarında Kullanımına Dair Sorunlar Ve Çözüm Önerileri", Turkish Studies (International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic), Volume 3/6, pp 733- 754.

Yördem, Esra. (2019). "Sefer ve Savaşların Düzyaz ve Şiir Diliyle Aktarım : Kadızade ve Gazavat- Sultan Selim han", *Doğu Araştırmalar* , 1(19), pp 46-67.

Yördem, Esra (2018). Kadızade'nin Gazavat- Sultan Selim Han Adlı Eseri (Metin - İnceleme), Doktora tezi, İstanbul, İstanbul Üniversitesi.